

# اقتصادسنج<sup>۱۳</sup>

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی اتاق تهران



# اقتصادسنج

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی اتاق تهران

شماره سیزدهم

موضوعات این شماره:

تامین مالی بنگاه‌ها: نگاهی به نظام بانکی و بازار سرمایه  
سیاست‌های اقتصادی ترامپ: اثرات و چالش‌ها برای ایران و جهان  
(ویژه پارلمان بخش خصوصی و مجلس شورای اسلامی)

ناشر:

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی  
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

تاریخ انتشار: بهمن ۱۴۰۳

چاپ: روابط عمومی

سردبیر: دیاکو حسینی

دبیر تحریریه: عاطفه قاسمیان

تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

مهسا رجبی نژاد، مریم علم‌الهدی، فاطمه علیزاده آغ‌اسمعیلی، عاطفه قاسمیان، شراره کامرانی، نگین گودرزی

اینفوگرافیک: مهسا رجبی نژاد



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,  
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

## ویژه پارلمان بخش خصوصی

### (تامین مالی بنگاه‌ها: نگاهی به نظام بانکی و بازار سرمایه)

- ۵ ..... تامین مالی بانکی و حلقه مغفول مانده توسعه
- ۶ ..... تأمین مالی؛ اقبال به ابزارهای بدهی برای تأمین مالی در بازار سرمایه
- ۷ ..... ابزارهای نوین بازار سرمایه برای تامین انرژی
- ۸ ..... ابزارهای نوین بازار سرمایه برای تامین مالی ارزی

## ویژه مجلس شورای اسلامی

### (سیاست‌های اقتصادی ترامپ: اثرات و چالش‌ها برای ایران و جهان)

- ۱۰ ..... نفت در دوران ترامپ: سیاست‌ها و تاثیرات جهانی
- ۱۱ ..... بازار گاز؛ استراتژی ترامپ برای تسلط بر بازارهای جهانی و مقابله با نفوذ روسیه
- ۱۲ ..... سایه فشار حداکثری بر چالش‌های بازار کار ایران
- ۱۳ ..... سیاست‌های تجاری ترامپ



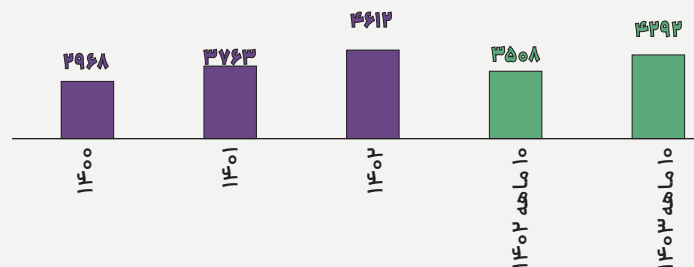
# ویژه پارلمان بخش خصوصی



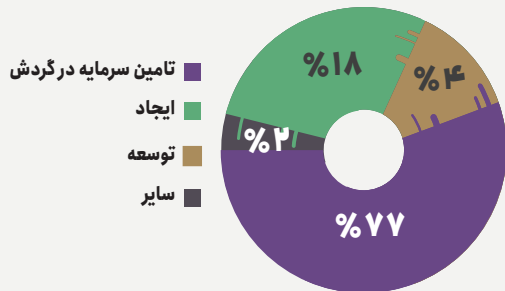
## تامین مالی بانکی و حلقه مغفول مانده توسعه

در سال ۱۴۰۲، تسهیلات پرداختی بانک‌ها به صاحبان کسب و کار با **رشدی ۲۳ درصدی** نسبت به سال قبل، به رقم **۴۶۱۲ هزار میلیارد تومان** رسید. در ۱۰ ماهه نخست سال ۱۴۰۳ نیز این تسهیلات رشد **۲۲ درصدی** را تجربه کرده است. با فرض استمرار روند پرداخت تسهیلات طی دو ماه پایانی سال جاری، رشد تسهیلات پرداختی بانک‌ها نسبت به سال ۱۴۰۲، تقریباً به ۱۲ درصد می‌رسد که در مقایسه با نرخ رشد تسهیلات در سال قبل، **کاهش** قابل ملاحظه‌ای داشته است. نکته‌ای که غالباً نادیده گرفته می‌شود، تأثیر مستقیم تورم بر ارزش واقعی تسهیلات است. در پایان سال ۱۴۰۲ و دی‌ماه ۱۴۰۳ تورم رسمی کشور به ارقام **۴۰/۷ درصد** و **۳۱/۸ درصد** رسیده است. با احتساب این ارقام، رشد واقعی تسهیلات پرداختی، در زمان‌های مذکور، به ترتیب **منفی ۱۸ درصد** و **منفی ۹/۵ درصد** بوده است. بنابراین، تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بنگاه‌ها در عمل به میزان افزایش سطح عمومی قیمت‌ها رشد نکرده است.

تامین مالی بانکی صاحبان کسب و کار طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۰ ماهه ۱۴۰۳ (هزار میلیارد تومان)



تسهیلات پرداختی به تفکیک هدف از دریافت طی ۱۰ ماهه ۱۴۰۳



با توجه به آمار تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار، در شرایط کنونی اقتصادی که بنگاه‌ها برای ادامه فعالیت‌های خود به شدت به منابع مالی وابسته‌اند، **۷۷ درصد** از تسهیلات پرداختی طی ۱۰ ماهه ۱۴۰۳ به تأمین سرمایه در گردش اختصاص یافته است.

ترکیب تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی ۱۰ ماهه نخست سال جاری در مقایسه با سال قبل، نشان می‌دهد تمایل بانک‌ها به اعطای تسهیلات با هدف توسعه کمتر شده و به سمت افزایش تسهیلات سرمایه در گردش حرکت کرده است که یکی از دلایل آن می‌تواند نیاز بنگاه‌ها به جذب نقدینگی برای فعالیت‌های جاری خود باشد و تقاضا برای فعالیت‌های توسعه‌ای کاهش یافته است.

طی ۱۰ ماهه ۱۴۰۳، سهم تسهیلات تخصیص یافته به توسعه در مقایسه با سال قبل، **۱/۳ واحد درصد** کاهش یافته و به **۴ درصد** رسیده است. در مقابل، سهم ایجاد **۰/۵ واحد درصد** و سهم سرمایه در گردش **۰/۹ واحد درصد** افزایش یافته است.

علیرغم رشد اسمی تسهیلات پرداختی بانک‌ها در سال‌های اخیر، با توجه به رقم بالای نرخ تورم، ارزش واقعی تسهیلات به شدت کاهش یافته و تأمین نقدینگی بنگاه‌ها با چالش مواجه شده است. در این میان، سهم تسهیلاتی که با هدف توسعه فعالیت‌های اقتصادی پرداخت شده، کاهش یافته و بخش عمده تقاضای تسهیلات برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه بوده است.

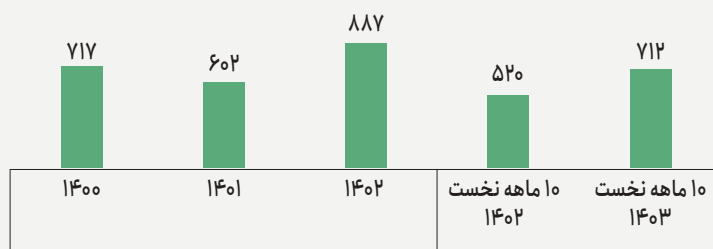
با توجه به اینکه بخش عمده تأمین مالی بنگاه‌ها در ایران با تکیه بر سیستم بانکی کشور انجام می‌شود، کاهش قابل ملاحظه نرخ رشد تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار در سال جاری نسبت به رقم مشابه رشد در سال قبل، بدون شک تنگای مالی را برای کسب و کارها تشدید خواهد کرد. بنابراین، با نظر به محدودیت‌های اعطای تسهیلات در سیستم بانکی کشور و ضرورت توجه به نسبت کفایت سرمایه، نیاز است روش‌های جایگزین تأمین مالی برای بنگاه‌های اقتصادی تعریف شود و اعطای تسهیلات بانکی نیز متناسب با سهم فعالیت‌های اقتصادی در ارزش افزوده باشد.

منبع داده‌ها: بانک مرکزی

## تامین مالی؛ اقبال به ابزارهای بدهی برای تامین مالی در بازار سرمایه

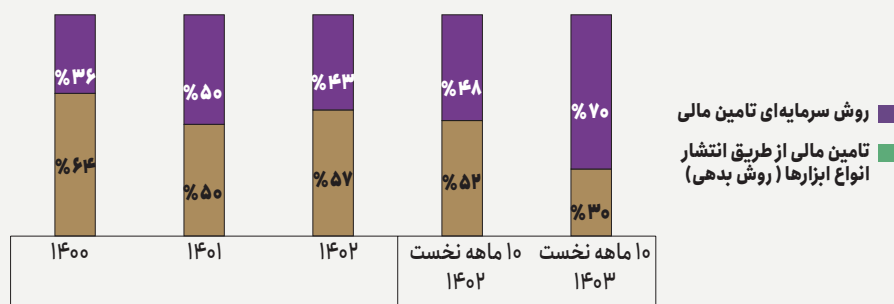
در پایان سال ۱۴۰۲، ارزش تأمین مالی از بازار سرمایه در مجموع **۸۸۷ هزار میلیارد تومان** بوده است. این رقم، طی ده ماهه نخست سال ۱۴۰۳، برابر با **۷۱۲ هزار میلیارد تومان** بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۲، رشد **۳۷ درصدی** را تجربه کرده است، اما با در نظر گرفتن نرخ تورم **۳۲ درصدی** در دی ماه سال جاری، نرخ رشد حقیقی تأمین مالی، در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، محدود و در سطح تقریبی **۵ درصد** خواهد بود.

ارزش تأمین مالی از طریق بازار سرمایه طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۰ ماهه ۱۴۰۳  
(هزار میلیارد تومان)



تأمین مالی از بازار سرمایه به دو روش سرمایه‌ای و روش بدهی (انتشار انواع ابزار تأمین مالی)، قابل انجام است. یکی از نکات قابل توجه درباره تأمین مالی از طریق بازار سرمایه، افزایش سهم انواع ابزارهای مالی یا به عبارت دیگر «روش بدهی» در مقایسه با روش سرمایه‌ای است. اقداماتی همچون «تأسیس شرکت سهامی عام»، «عرضه اولیه» و شیوه‌های گوناگون «افزایش سرمایه» از انواع روش سرمایه‌ای تأمین مالی هستند. در مقابل، انتشار انواع اوراق از جمله اسناد خزانه اسلامی، اوراق گام، اوراق مربحه، مشارکت، سلف و اجاره، شیوه‌های گوناگون تأمین مالی از طریق بدهی به شمار می‌روند. بررسی سهم این دو روش نشان می‌دهد سهم روش بدهی یعنی انواع اوراق تأمین مالی در حال افزایش است که از دلایل آن می‌توان به آسان‌تر و سریع‌تر بودن فرآیند اجرایی انتشار اوراق بدهی در مقایسه با روش سرمایه‌ای اشاره کرد. در روش سرمایه‌ای، تغییر ساختاری شرکت‌ها فرآیندی به نسبت زمان‌برتر است که ممکن است هزینه‌های بالاتری را نیز برای بنگاه داشته باشد.

سهم روش سرمایه‌ای و بدهی در تأمین مالی از بازار سرمایه



به نظر می‌رسد اقبال شرکت‌ها به تأمین مالی از طریق ابزارهای بدهی به دلیل معرفی ابزارهای جدید و سهل‌تر بودن فرآیند انتشار آنها در حال گسترش است. این موضوع می‌تواند به عمق بازار بدهی و افزایش ظرفیت این بازار در تأمین مالی بنگاه‌ها کمک کند. هم‌اکنون مقایسه سهم تأمین مالی بانکی و بازار سرمایه در اقتصاد ایران، نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از تأمین مالی بنگاه وابسته به سیستم بانکی است و بخش محدودی توسط بازار سرمایه انجام می‌شود.

## گواهی ظرفیت چیست؟

گواهی ظرفیت یک سند قابل معامله است که توسط وزارت نیرو صادر می‌شود و نشان دهنده تعهد تأمین یک کیلووات ظرفیت مطمئن نیروگاهی به مدت نامحدود است. این گواهی را می‌توان به عنوان یک نوع "بیمه نامه برق" در نظر گرفت که تضمین می‌کند مقدار مشخصی از برق همیشه برای دارنده آن در دسترس خواهد بود.

### چه کمکی به بنگاه‌ها می‌کند؟

- بنگاه‌ها می‌توانند با اطمینان از تأمین برق مورد نیاز، فعالیت‌های تولیدی و خدماتی خود را با ثبات بیشتری برنامه‌ریزی کنند.
- امکان پیش‌بینی و مدیریت بهتر هزینه‌های مربوط به انرژی را فراهم می‌کند. بنگاه‌ها می‌توانند با خرید گواهی ظرفیت، هزینه‌های آتی خود را تا حدی تثبیت کنند.
- خطر قطعی برق و خسارات ناشی از آن را کاهش می‌دهد، که می‌تواند برای صنایع حساس بسیار حیاتی باشد.
- بنگاه‌ها می‌توانند گواهی‌های ظرفیت را بر اساس نیازهای فصلی یا دوره‌ای خود خریداری یا فروش کنند.
- با داشتن تضمین برای تأمین برق، بنگاه‌ها می‌توانند برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت‌تری را با اطمینان بیشتری طراحی کنند.
- این گواهی به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد تا به طور فعال در بازار انرژی مشارکت کنند و از فرصت‌های آن بهره‌مند شوند.

- برای مصرف‌کنندگان بزرگ مانند صنایع و کارخانه‌ها، اطمینان از دسترسی مداوم به برق را فراهم می‌کند.
- ریسک عدم وجود ظرفیت مازاد را برای مصرف‌کننده و ریسک وجود خریدار را برای نیروگاه، پوشش می‌دهد.
- به وزارت نیرو و شرکت‌های توزیع برق امکان می‌دهد تا نیاز به برق را با دقت بیشتری پیش‌بینی و مدیریت کنند.
- درآمد حاصل از فروش این گواهی‌ها می‌تواند انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در ساخت و توسعه نیروگاه‌های جدید باشد.
- با ایجاد یک مکانیسم بازار برای تضمین ظرفیت تولید، به افزایش امنیت انرژی کشور کمک می‌کند.
- تأمین مالی صنعت برق را از طریق بازار سرمایه تسهیل می‌کند.
- با تشویق سرمایه‌گذاری در تولید برق و مدیریت بهتر تقاضا، احتمال خاموشی‌ها را کاهش می‌دهد.
- معامله این گواهی‌ها در بورس انرژی به شفافیت بیشتر قیمت‌ها و مکانیسم‌های بازار کمک می‌کند.

### کاربردهای گواهی ظرفیت

## الزامات گواهی ظرفیت

۱. برای دریافت انشعاب جدید یا افزایش توان قراردادی، خرید این گواهی الزامی است. این الزام تضمین می‌کند که تمام مصرف‌کنندگان بزرگ در تأمین امنیت انرژی مشارکت دارند.
۲. قیمت این گواهی‌ها در بورس انرژی و بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. این امر به شفافیت قیمت‌ها و کارایی بازار کمک می‌کند.
۳. وزارت نیرو بر صدور و معاملات این گواهی‌ها نظارت می‌کند تا از سوءاستفاده جلوگیری شود و اطمینان حاصل شود که سیستم در راستای اهداف ملی عمل می‌کند.
۴. مقدار گواهی مورد نیاز بر اساس درصدی از توان درخواستی محاسبه می‌شود. برای مثال، ممکن است لازم باشد ۶۰٪ از ظرفیت درخواستی به صورت گواهی ظرفیت خریداری شود.

منابع: ششمین همایش تأمین مالی از بازار سرمایه (بهمن ۱۴۰۳) و بورس انرژی

## اوراق مرابحه ارزی چیست؟

اوراق مرابحه، بر اساس عقد مرابحه طراحی شده که یکی از انواع قراردادهای خرید و فروش است. در این عقد، فروشنده قیمت تمام شده کالا را که شامل قیمت خرید آن، هزینه و حمل و نقل، نگهداری، تعمیرات و دیگر هزینه‌های مرتبط است به خریدار اعلام می‌کند و سپس، مبلغ یا درصدی اضافه بر قیمت تمام شده را به عنوان سود، درخواست می‌کند. این قرارداد یا معامله می‌تواند به صورت نقد یا به صورت نسیه یعنی تحویل در زمان حال و پرداخت در زمان آینده، منعقد شود.

### چه کمکی به بنگاه‌ها می‌کند؟

- تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی در پروژه‌هایی که نیاز به تأمین مالی ارزی دارند
- امکان تأمین مالی خرید کالاهایی که از خارج کشور وارد می‌شوند
- تأمین مالی پروژه‌ها تا سقف ۲۰۰ میلیون یورو

### کاربردهای مرابحه ارزی

کاربرد این اوراق در تأمین مالی برای خرید کالاهایی است که از خارج از کشور تهیه می‌شوند و نیاز به پرداخت ارزی دارند. از این طریق، بنگاه‌ها می‌توانند پروژه‌های خود را تا سقف ۲۰۰ میلیون یورو برای هر طرح، تأمین مالی کنند. سقف مبلغ عرضه اوراق با صلاحدید و اخذ مجوز از بانک مرکزی قابل افزایش است.

## الزامات اوراق مرابحه ارزی

۱. تشکیل بازار ثانویه: این اوراق هم‌اکنون قابل بازخرید پیش از سررسید هستند اما بازار ثانویه‌ای برای معاملات آنها در نظر گرفته نشده است. معاملات ثانویه منوط به اخذ مجوز از بانک مرکزی برای تعیین شرایط و سازوکار مربوطه از طریق مرکز مبادله ارز و طلای ایران است.
۲. اضافه شدن رکن بازارگردان: در صورت تشکیل بازار ثانویه، می‌توان وجود رکن بازارگردان با هدف نقدشوندگی و تسهیل معاملات را از دیگر الزامات دانست.
۳. تعهد ارزی صادرکنندگان: خرید این اوراق از محل منابع ارزی مشمول رفع تعهد ارزی صادراتی، ممنوع است. در حالی که رفع این محدودیت می‌تواند به تأمین مالی ارزی پروژه‌های کشور کمک کند.

## معرفی اولین پروژه تأمین مالی شده با اوراق مرابحه ارزی

شرکت پالایش گاز بیدبلند خلیج فارس توانست با این اوراق طی دو مرحله، در مجموع **۱۵۰ میلیون یورو** جذب کند، مرحله نخست در پاییز سال گذشته به ارزش **۱۰۰ میلیون یورو** و مرحله دوم در پاییز سال جاری و به ارزش **۵۰ میلیون یورو** انجام گرفت.

جمع بهای کل خریدهای خارجی این طرح در حدود **۵۰۶ میلیون یورو** بوده است که تا در زمان طرح گزارش توجیهی تأمین مالی، در شهریور ۱۴۰۲، خریدهای انجام شده خارجی بیش از ۲۵۹ میلیون یورو و خریدهای انجام نشده، بالغ بر **۲۴۴ میلیون یورو** بوده است. بخشی از بهای باقی‌مانده خریدهای انجام نشده از طریق انتشار اوراق مرابحه ارزی، انجام شده است.

این اوراق، ۴ ساله و با درآمد ثابت یعنی نرخ سود سالانه **۶ درصد** است. مرحله اول پذیره‌نویسی در پاییز ۱۴۰۲ انجام شد و طی آن **۱۰۰ یورو** تأمین مالی صورت گرفت. اولین مرحله واریز سود نیز در دی ماه، به حساب خریداران واریز شد. مرحله دوم این پذیره‌نویسی نیز در پاییز امسال برای تأمین **۵۰ میلیون یورو** انجام شد.

منابع: ششمین همایش تامین مالی از بازار سرمایه (بهمن ۱۴۰۳) و بورس انرژی، مرکز مبادله ارز و طلای ایران و دستورالعمل اجرایی عرضه اوراق مرابحه ارزی





# ویژه مجلس شورای اسلامی

## سیاست‌های احتمالی ترامپ در حوزه نفت



شعار «حفاری کن، فقط حفاری» به عنوان یکی از سیاست‌های انرژی ترامپ طرح شده است. با اعلام «وضعیت اضطراری ملی انرژی»، ترامپ قصد دارد حفاری‌های نفت و گاز را گسترش و تولید داخلی را افزایش دهد، اما در نهایت، تحولات جهانی نظیر قیمت نفت، تنش‌های ژئوپولیتیک و تغییرات اقلیمی نیز می‌تواند در تعیین استراتژی‌های او نقش بسزایی داشته باشد.

چنانچه سیاست‌های فوق در حوزه نفت اعمال شوند، شرکای تجاری آمریکا با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد و بعضاً باید تصمیمات جدیدی را اتخاذ نمایند. **کانادا** با احتمال **کاهش چشمگیر سرمایه‌گذاری** در بخش نفت روبرو است و با افزایش بیکاری در این صنعت، باید به دنبال ایجاد مسیرهای جدید باشد. در عین حال، **ونزوئلا** که به شدت تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا قرار گرفته است، اکنون باید بازارهای جدیدی در آسیا پیدا کند تا بتواند جایگاه خود را در بازار جهانی نفت حفظ نماید.

به نظر می‌رسد **ترامپ به دنبال فشار بر اوپک** علی‌الخصوص **عربستان سعودی**، برای **کاهش قیمت‌ها** است. این امر می‌تواند کشورهای تولیدکننده وابسته به درآمد نفتی مانند عربستان سعودی، روسیه، ایران و سایر اعضای اوپک پلاس را با مشکلات جدی مواجه نماید.

**کاهش احتمالی قیمت نفت** پس از اعمال سیاست‌های اقتصادی ترامپ، در پیش‌بینی‌های اخیر صندوق بین‌المللی پول نیز تایید می‌شود (کاهش حدود **۱۲ درصدی** در سال ۲۰۲۵ و کاهش **۲/۶ درصدی** در سال ۲۰۲۶). بر اساس برآوردهای این سازمان بین‌المللی، قیمت نفت در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به طور قابل توجهی **کاهش خواهد یافت** که عمدتاً تحت تأثیر **تقاضای ضعیف چین** و **افزایش عرضه از سوی کشورهای غیر اوپک پلاس** است.

علاوه بر این، موسسه **جی پی مورگان** پیش‌بینی می‌کند که قیمت نفت برنت تا پایان سال ۲۰۲۶ به **زیر ۶۰ دلار** برای هر بشکه خواهد رسید. **آژانس اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)**<sup>۲</sup> نیز پیش‌بینی **مشابهی** از آینده قیمت نفت ارائه کرده است.

**منفی ۲/۶ درصد؛**

**پیش‌بینی کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۲۶**

**منفی ۱۲ درصد؛**

**پیش‌بینی کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۲۵**

در نهایت، سیاست‌های نفتی ترامپ به وضوح بازار جهانی نفت را وارد مرحله‌ای جدید از **بی‌ثباتی** خواهد کرد. این تحولات می‌تواند به بازتعریف ساختارهای تجاری نفت، تغییر در اولویت‌های سرمایه‌گذاری و تحولات در سیاست‌های زیست محیطی سایر کشورها منجر شود. ایران نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت اوپک، طبیعتاً تحت تأثیر تغییرات قیمتی نفت ناشی از سیاست‌های تجاری ترامپ قرار خواهد گرفت و به دلیل وابستگی بودجه عمومی کشور به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، ممکن است اقتصاد کشور از محل تشدید کسری بودجه با چالش‌های جدی مواجه شود.

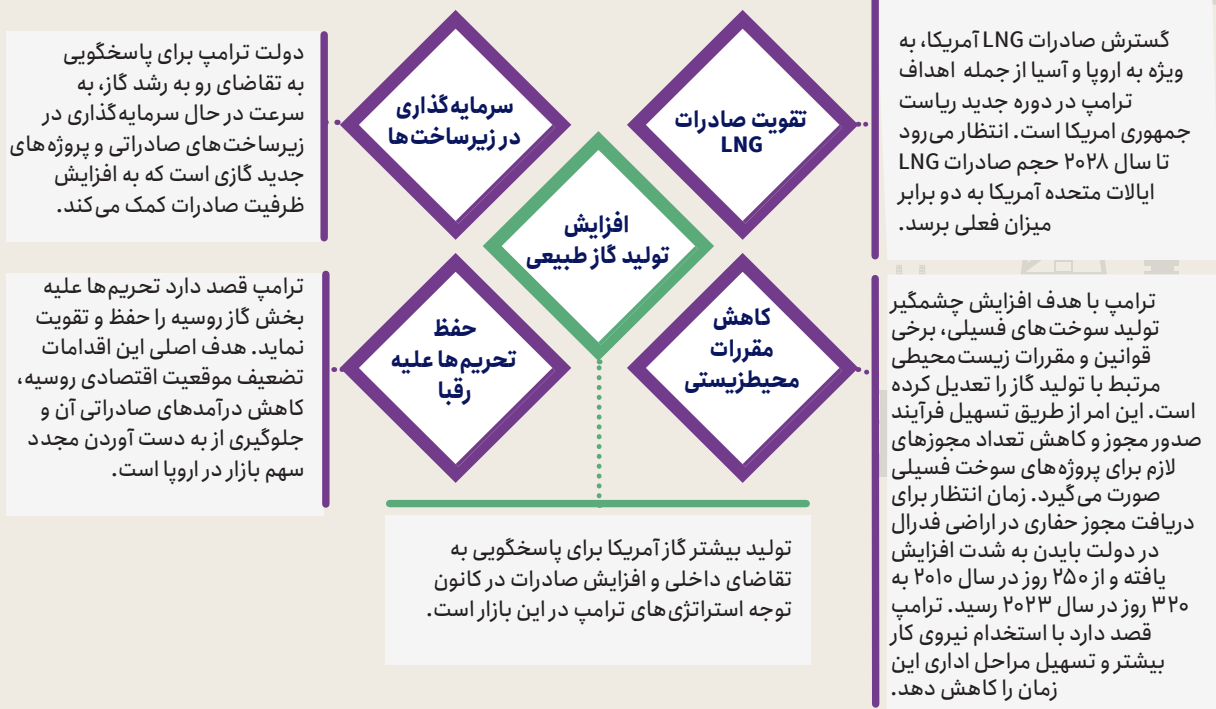
منبع: صندوق بین‌المللی پول، موسسه جی پی مورگان، آژانس اطلاعات انرژی آمریکا، روتترز

<sup>۱</sup>National Energy Emergency

<sup>۲</sup>U.S. Energy Information Administration

## بازار گاز؛ استراتژی ترامپ برای تسلط بر بازارهای جهانی و مقابله با نفوذ روسیه

استراتژی دونالد ترامپ در رابطه با بازار گاز، رویکردی جامع و چند وجهی است که هدف آن **تحکیم سلطه ایالات متحده بر بازارهای جهانی انرژی** و در عین حال **مقابله با نفوذ رقبای کلیدی مانند روسیه** و **تغییر ماهیت منطقه ای این بازار** است. این رویکرد چندوجهی شامل مولفه های کلیدی به شرح زیر است:



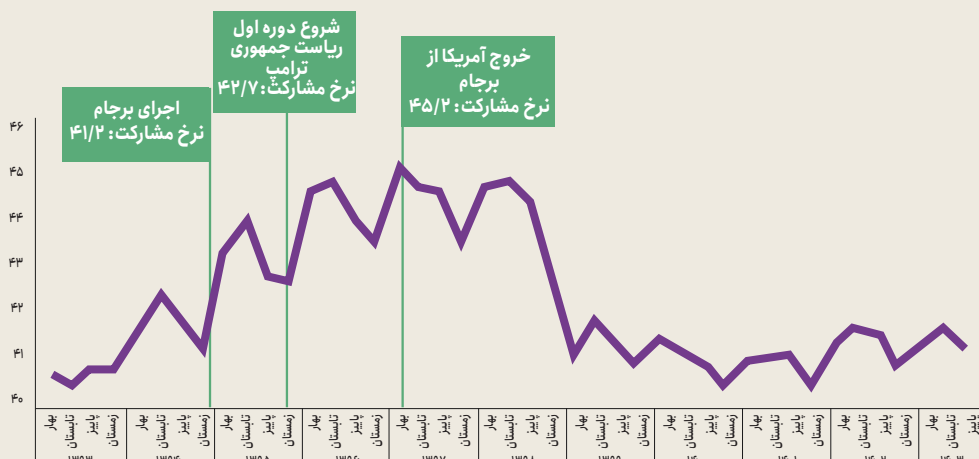
استراتژی های ترامپ در رابطه با بازار گاز تأثیرات مهمی بر اقتصاد جهانی خواهد داشت، از یک سو **اعمال تعرفه های سنگین بر کالاهای اروپایی**، کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار داده تا **واردات LNG از آمریکا** را افزایش دهند، لذا **وابستگی اروپا به گاز روسیه کاهش یافته** و نفوذ ایالات متحده در بازارهای جهانی انرژی افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، **اعمال تعرفه های جدید** می تواند منجر به اقدامات تلافی جویانه شده از سوی شرکای تجاری کلیدی مانند **کانادا، مکزیک و چین** شود و **تنش های تجاری را تشدید کند** که برآیند این دو رخداد می تواند **زنجیره تامین جهانی گاز را با اختلال روبه رو سازد**. با وجود نوسانات اولیه در قیمت نفت و گاز، برآوردها نشان می دهد که با انطباق بازارها، تأثیر این استراتژی در بلندمدت بر قیمت جهانی گاز کم خواهد بود. تأثیر مهم دیگر این رویکرد، **افزایش انتشار کربن، کندی گذار جهان به سمت منابع انرژی های تجدیدپذیر و افزایش هزینه های اقتصادی ناشی از تغییرات آب و هوا** به دلیل مقررات زدایی ترامپ از استخراج گاز و دور شدن از سرمایه گذاری در انرژی های تجدیدپذیر است.

سیاست های ترامپ با تمرکز بر گسترش صادرات LNG آمریکا و اعمال تحریم های شدید، می تواند محدودیت های جدی برای بازار گاز طبیعی ایران نیز ایجاد کند. با توجه به افزایش صادرات LNG آمریکا به اروپا و آسیا و انزوای بین المللی ناشی از تحریم ها شانس ایران برای افزایش سهم در بازار گاز کاهش خواهد یافت. در نتیجه، صادرات گاز طبیعی ایران تا حد زیادی همچنان به بازارهای منطقه ای مانند عراق و ترکیه محدود خواهد بود. با این حال، بیم آن می رود که تحریم های آمریکا این کشورها را نیز از ادامه یا گسترش واردات گاز ایران باز دارد.

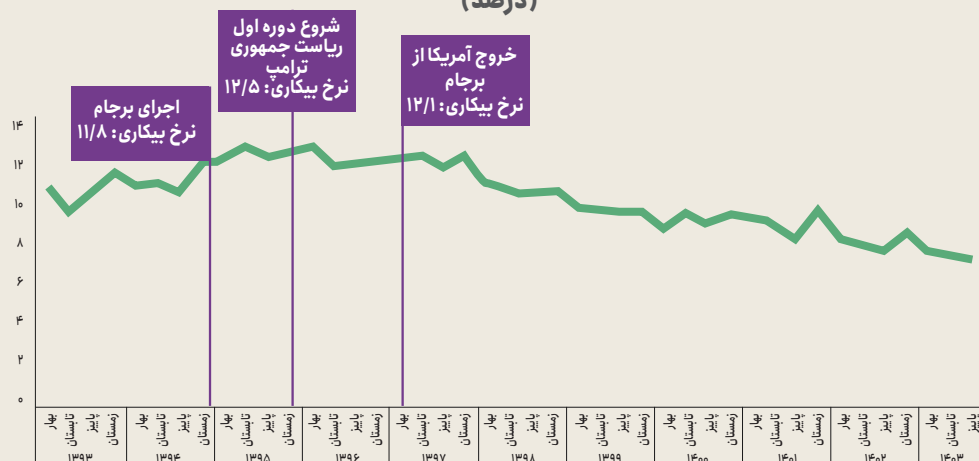
منبع: اکونومیست، شورای آتلانتیک

نرخ مشارکت اقتصادی طی یک بازه زمانی ۱۵ ساله در دامنه ۴۰ درصد در حال تغییر بوده است؛ یعنی از هر ۱۰ نفر در سن کار در کشور به طور متوسط فقط ۴ نفر شاغل یا در جستجوی شغل هستند. این نرخ در جهان برابر با ۶۱ درصد است؛ یعنی از هر ۱۰ نفر تقریباً ۶ نفر. این در حالی است که بیش از نیمی از جمعیت در سن کار در ایران از نظر اقتصادی غیر فعال هستند. در صورت استمرار روند کاهشی نرخ مشارکت اقتصادی در فصل‌های آتی، چالش‌هایی برای بخش تولید از منظر تأمین نیروی انسانی ایجاد خواهد شد که خروجی آن در سطح کلان، تردید در دستیابی به هدف‌گذاری‌های نرخ رشد خواهد بود.

### نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کل کشور (درصد)



### نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کل کشور (درصد)



بررسی تجربه دوره اول ریاست جمهوری ترامپ در ایالات متحده و تأثیر آن بر بازار کار ایران نشان می‌دهد با شروع ریاست جمهوری وی، خروج آمریکا از برجام و نیز تشدید تحریم‌ها، نرخ مشارکت اقتصادی در بازار کار ایران که در یک روند عمومی صعودی قرار داشت، با کاهش همراه شد؛ به طوری که از ۴۵٫۲ درصد در بهار ۱۳۹۷ به ۴۱ درصد در بهار ۱۳۹۹ رسید و در سطوح پیش از برجام قرار گرفت. بر این اساس، انتظار می‌رود در صورت در پیش گرفتن سیاست‌های مشابه در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ، نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری همچنان در یک روند عمومی نزولی قرار گیرد. کاهش همزمان نرخ مشارکت اقتصادی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت در سن کار) و نرخ بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال) می‌تواند به این معنا باشد که جمعیت فعال کاهش یافته است. بخشی از کاهش جمعیت فعال می‌تواند به دلیل ناامیدی افراد بیکار از یافتن شغل و پایان جست‌وجو برای پیدا کردن کار باشد که به معنای خروج آنها از بازار کار و قرار گرفتن در جمعیت غیر فعال است.

● استراتژی تجاری ترامپ عمدتاً بر پایه **تعرفه‌ها** استوار است و با هدف کاهش کسری تجاری امریکا به ویژه در تجارت با کشورهایمانند کانادا، مکزیک و چین و حمایت از صنایع داخلی کشور اعمال می‌شود. علاوه بر این، اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای می‌تواند پاسخی باشد به آنچه که دولت ترامپ به عنوان شیوه‌های تجاری ناعادلانه و مشکلاتی مانند قاچاق مواد مخدر و مهاجرت غیرقانونی از سوی مکزیک و کشورهای دیگر طرح می‌کند.

آثار احتمالی سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ بر اقتصاد امریکا



بر اساس پیش‌بینی‌های ارائه شده توسط Tax Foundation :

- با اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای توسط ترامپ، در بلندمدت تولید ناخالص داخلی امریکا، ۰,۲ درصد کاهش خواهد یافت که عمدتاً به دلیل افزایش هزینه واردات و واکنش‌های تلافی‌جویانه کشورهای دیگر است.
- پیش‌بینی می‌شود افزایش نرخ تعرفه‌ها منجر به از دست دادن حدود ۱۴۲,۰۰۰ شغل در ایالات متحده شود که غالباً به دلیل افزایش هزینه‌ها و کاهش تقاضا برای برخی کالاها در صنایع مختلف خواهد بود.
- افزایش نرخ تعرفه، می‌تواند افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را نیز به همراه داشته باشد. پیش‌بینی می‌شود با اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای امریکا، میزان مالیات پرداختی خانوار در سال ۲۰۲۵ بیش از ۸۰۰ دلار افزایش یابد که فشار مالی ناشی از آن، عمدتاً بر روی خانوارهای با درآمد بالاتر خواهد بود که هزینه بیشتری را صرف کالاهای وارداتی می‌کنند.
- تداوم تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر کانادا و مکزیک و تعرفه ۱۰ درصدی بر چین، منجر به افزایش ۱,۱ تریلیون دلاری درآمدهای مالیاتی فدرال در بازه زمانی ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۴ خواهد شد.

اگرچه سیاست‌های تعرفه‌ای امریکا با هدف حمایت از تولید داخلی اعمال می‌شود، اما بر اساس مطالعات صورت گرفته، عده‌ای معتقدند تعرفه‌ها از چند کانال می‌تواند تولید را در ایالات متحده کاهش دهد. یکی از آنها، افزایش هزینه‌های تولید است که اثرات قیمتی آن از تولیدکننده به مصرف‌کننده سرریز خواهد شد. در برخی صنایع که به تامین مواد اولیه وارداتی وابسته هستند (مانند صنعت خودروسازی به واسطه فولاد و آلومینوم)، آثار آن بیشتر مشاهده می‌شود. از طرف دیگر، در آینده ممکن است ارزش دلار امریکا به واسطه تعرفه‌ها افزایش یابد، لذا قیمت کالاهای صادراتی امریکا بیشتر خواهد شد و توان رقابت‌پذیری این کالاها در بازار جهانی به مراتب کمتر می‌شود.



# تعلق بدون دیگری سازی

Stephen Menendian & John a. powell

«تعلق بدون دیگری» در ظاهر یک کتاب اقتصادی نیست، اما نویسنده در این کتاب به ویژگی‌های فرهنگی و باورهایی که نظام اقتصادی ما را شکل می‌دهد، می‌رسد. مضمون کلی این کتاب آن است که چگونه می‌توانیم فرهنگ‌های تعلق را به گونه‌ای ایجاد کنیم که به وجود یک فرد خارجی وابسته نباشد. نویسندگان در این کتاب استدلال می‌کنند ریشه همه‌ی نابرابری‌ها در فرآیند دیگری‌سازی نهفته است و راه حل آن، ایجاد جامعه‌ای است که در آن همه بدون نیاز به ایجاد "دیگری" احساس تعلق کنند. در این کتاب به فرآیندها و اثر چند مفهوم از جمله موارد زیر پرداخته شده است: دیگری‌سازی؛ این فرآیند به معنای تقسیم افراد به گروه‌های "ما" و "آنها" است که منجر به ایجاد ترس، تبعیض و نابرابری می‌شود. دیگری‌سازی در طول تاریخ به شکل‌های مختلفی مانند نژادپرستی، تبعیض جنسیتی، و اختلافات مذهبی ظاهر شده است. تعلق جویی؛ تعلق جویی به معنای ایجاد حس ارتباط و مشارکت در جامعه است، بدون اینکه نیاز به ایجاد مرزهای مصنوعی بین افراد باشد. این مفهوم شامل عناصری مانند "شامل شدن"، "ارتباط"، "شناسایی" و "عاملیت" است. گذار از هویت‌های محدود به هویت‌های گسترده؛ نویسندگان استدلال می‌کنند برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه، باید از هویت‌های محدود (مانند نژاد، مذهب، یا جنسیت) به سمت هویت‌های گسترده‌تر حرکت کنیم که همه را در بر می‌گیرد.



# جایگزین: چگونه یک اقتصاد عادلانه بسازیم

Nick Romeo

بسیاری از اقتصاددانان و رهبران کسب و کار در مواجهه با روندهای وحشتناک اوایل قرن بیست و یکم - گسترش نابرابری، تخریب محیط زیست و تحقیر میلیون ها کارگر در سراسر جهان - هنوز عقایدی را تبلیغ می کنند که فاجعه سیاسی ایجاد می کنند؛ عقایدی از این قبیل که بازارهای خصوصی همیشه کارآمدتر از بازارهای عمومی هستند، سرمایه سرمایه گذاری به طور موثر به سمت پروژه های ضروری جریان می یابد، نابرابری عظیم اثر جانبی اجتناب ناپذیر رشد اقتصادی است، مردم خودخواه هستند و فقط با انگیزه های مناسب رفتار خوبی خواهند داشت و ... اما تعداد فزاینده ای از مردم - اعم از اقتصاددانان دانشگاهی، صاحبان مشاغل، کارآفرینان سیاست گذاری و مردم عادی - این افسانه ها را رد می کنند و اقتصادها در سراسر جهان تغییر شکل می دهند تا ارزش های اخلاقی و اجتماعی را منعکس کنند. اگرچه آنها از نظر رویکرد متفاوت هستند، اما همه آنها دیدگاهی مشترک از اقتصاد به عنوان مکانی برای عمل اخلاقی و مسئولیت پذیری دارند. نیک رومئو، روزنامه نگار، سال هایی را صرف پوشش نوآورانه ترین ایده های اقتصادی و سیاسی جهان برای نیویورکر کرده است. رومئو ما را به سفری خارق العاده از میان داستان ها و موفقیت های فراموش نشدنی افرادی می برد که برای ساختن اقتصادهایی برابر، عادلانه تر و قابل زندگی تر کار می کنند. او به بررسی موارد زیر می پردازد: نابرابری اقتصادی: کتاب به تحلیل علل و پیامدهای نابرابری اقتصادی می پردازد و نشان می دهد که چگونه ساختارهای موجود به انسداد فرصت ها منجر می شوند. مدل های جایگزین: رومئو ارائه مدل ها و راهکارهایی برای توسعه اقتصادی عادلانه تر و پایدارتر پیشنهاد می کند، به طور خاص بر روی اقتصادهای اجتماعی و پایدار تمرکز دارد. تأثیر بر جامعه: نیک رومئو تأکید می کند که تغییر در عرصه اقتصادی باید همراه با تغییرات اجتماعی باشد تا به اصلاحات مؤثر و واقعی منجر شود. پیشنهادات عملی: این کتاب شامل پیشنهادات عملی برای سیاست گذاران و شهروندان است که می تواند به ایجاد تغییرات ملموس در ساختارهای اقتصادی منجر شود. به طور کلی، این کتاب نگاهی انتقادی به چالش های کنونی جهانی و راه های ممکن برای ایجاد نظام اقتصادی عادلانه تر و کارآمدتر دارد. اگر به مسائل اقتصادی و اجتماعی علاقه مندید، این کتاب می تواند منبع معتبری برای درک بهتر این موضوعات باشد. این کتاب را نشر PublicAffairs در سال ۲۰۲۴ به زبان انگلیسی و در قالب ۳۸۴ صفحه منتشر و به بازار عرضه کرده است.





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی  
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,  
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE